



روزه ما را به مقام تشرف می‌رساند/ فقط ظاهر روزه را نبینیم

رئیس پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با بیان اینکه اگر درک و باور را نسبت به عبادتها اعتلا ببخشیم ...

رئیس پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با بیان اینکه اگر درک و باور را نسبت به عبادتها اعتلا ببخشیم و واقعا به لحاظ معرفت شناختی رابطه عمیق تری پیدا کنیم و فقط ظاهر را نبینیم و تنها به فکر ادای وظیفه نباشیم و به باطن عمل هم توجه کنیم اثرات بیشتری از عبادت می‌بینیم، گفت: روزه جهاد اکبری است که ما را بعد از مقام تکلف به مقام تشرف می‌رساند. برنامه‌های تربیتی اسلام به دو بعد جسمانی و روحانی انسان توجه دارد. روزه نیز از نظر جسمی و بهداشتی، فردی و اجتماعی، اخلاقی و معنوی هدایای ارزشمندی را برای صائم به ارمغان می‌آورد. روزه از سویی خانه تکانی عظیم برای دستگاه هاضمه و گوارش و از سوی دیگر ورزشی روحانی برای قوی کردن ایمان، اراده، پایداری و استقامت، گذشت و ایثارگری است. در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد رودگر، رئیس پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و استاد حوزه و دانشگاه ابعادی از اثرات روزه بررسی شد که اکنون از نظر شما می‌گذرد.

*یکی از سفارشهایی که در آموزه های اسلامی و خصوصا در روزه واقعی مطرح می‌شود این است که غیر خدا را در قلب خود راه ندهیم، چگونه این امر امکان پذیر است. خداوند فرموده به پدر و مادر خود نیکی کنید. خانواده خود را دوست داشته باشید. به دیگران احترام کنید. آیا اینها همان غیر خداست؟!

معنایش این است که ما برای غیر خدا، وجود استقلالی قائل نشویم و در نتیجه از غیر خدا هیچ انتظاری نداشته باشیم. غیر خدا را تجلیات و مظاهر الهی و اسباب الهی بدانیم و کارهایی که صورت می‌گیرد را از خدا بدانیم که اینک در فردی (پدر، مادر، استاد، برادر، همسر، فرزند، ...) تجلی پیدا کرده است. مثلا میوه را از درخت نبینیم؛ درخت را از خودش نبینیم. به هیچ چیز وجود استقلالی ندهیم همه وجود استدلالی دارند نه وجود استقلالی. همه وجود ربطی دارند همه ربط مطلق به حضرت حق هستند، همان طور که قرآن کریم در آیه 83 سوره یاسین می‌فرماید: «بَيِّدْ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»

علامه طباطبایی می‌فرماید: ملکوت یعنی باطن، جان یعنی حقیقت هر شیء. حقیقت و باطن هر شیء چیست؟ باطن هر شیء خداست. اگر این نگاه توحیدی تحقق پیدا کند این مسائل به راحتی حل می‌شود.

*چگونه می‌توان در مورد روزه این نگاه توحیدی را داشت؟

اگر در روزه همین نگاه توحیدی داشته باشیم به جایی می‌رسیم که غیر خدا را به حقیقت وجودی و حرم دل خودم راه نمی‌دهیم. امام صادق(ع) می‌فرماید: «القلب حرم الله فلا تسكن حرم الله غير الله» راه ندادن کسی به قلب خود به این معنا نیست که کسی را دوست نداشته باشیم، دوست داشتن هم در واقع باید توحیدی باشد. پیامبر اکرم(ص) از یک جوانی سؤال کرد: من را بیشتر دوست دارید یا پدر و مادرت را؟ عرض کرد شما را. فرمود: مرا بیشتر دوست داری یا خودت را؟ عرض کرد شما را. چند تا سؤال کرد رسید به اینجا که مرا بیشتر دوست دارید یا خدا را؟ عرضه داشت که تو را نیز به خاطر خدا دوست دارم، چون تو محبوب خدایی، محبوب منی. (چقدر این جوان اهل معرفت و ادب بود.)

همان طوری که در رابطه پیامبر(ص) با حضرت زهرا(س)، چقدر حضرت زهرا(س) محبوب دل پیامبر(ص) بود. در واقع باید گفت این محبت از محبت‌ها جداست. حُب محبوب خدا، حب خداست. اگر این حُب به زبان فلسفی و حکمی در نظام طولی تعریف شود و به زبان عرفانی در نظام تجلیاتی تعریف شود که زبان عمیق‌تر و بالاتری است هیچ تعارضی با همدیگر ندارد. وقتی من خدا، پیامبر(ص) و امام و قرآن و پدر و مادر و ... را دوست دارم اتفاقا این دوست داشتن‌ها معنادارتر می‌شود این دوست داشتنها ریشه‌دارتر می‌شود، چون من این را دوست دارم به خاطر خدا دوست دارم اگر ولی و رهبر جامعه خودم را دوست دارم برای چه چیزی دوست دارم؟ برای اینکه او دارد حرف خدا را می‌زند و حکم خدا را اجرا می‌کند. برای اینکه او دارد سبب و رابطه فیض الهی قرار می‌گیرد. برای اینکه او دارد مظهر اسم هادی و مربی برای من می‌شود و برای خدا او را دوست دارم. او را از خدا می‌دانم و به همین خاطر او را دوست می‌دارم. به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست. عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست.

شهید مطهری در کتاب جهان‌بینی اسلامی می‌نویسد: ماهیت از اویی و به سوی اویی را با همه وجودم نسبت به همه چیز و همه کس درک می‌کنم و به این دلیل حُب من به آنها تعلق می‌گیرد و این تعلق حب، شرک نیست. عین توحید است. پس منافاتی ندارد.

روزه نذری امیرالمؤمنین(ع) و حسنین(ع) و حضرت فاطمه(س) را در سوره «هل اتی» در نظر بگیرید «و يُطْعِمُونَ

الطعام على حُبِّه مسكيناً و يتيماً و أسيراً* إِنْما تُطْعَمُكُمْ لَوْجِهَ اللَّهِ لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُوراً» علامه طباطبائی ضمیر حبه را به طعام بر می گرداند می فرماید با اینکه طعام را دوست داشتند از آن گذشتند. آیه «لَنْ تَتَالَوْا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» را ملاحظه کنید که اشاره به داستان حضرت زهرا(س) انفاق لباس عروسیشان دارد. آنچه که انفاق می شود را دوست دارد، اما دوستی خود را برای دوستی بالاتر فدیهِ و هدیه می کند. همچنین خداوند در آیه 31 سوره آل عمران می فرماید: «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»

هر کسی فرزند و پدر و مادر و همسر و معلم و ولی نعمت‌های خود را دوست دارد اما برای چه چیزی آنها را دوست دارد؟ چگونه آنها را دوست دارد؟ به نظرم این دوست داشتن‌ها اگر در بخش مظهریت یا در بخش رابطه طولی و در ربط وجودی به حضرت حق معنا و تفسیر شود و در بحث مربوط به روزه هم که سخن گفتیم اگر این گونه تحلیل شود مشکلی وجود نخواهد داشت.

*روزه نقش مهمی در تهذیب نفس در عرفان اسلامی دارد، اما ما سال‌هاست که روزه می‌گیریم اما آنچنان باید و شاید اثرات آنچنانی ندیدیم علت این امر به چه چیزهایی بر می‌گردد؟

شما گفتید اثرات آنچنانی؛ یعنی آثاری داشته و دارد. این یک واقعیت است. آثار وضعی و آثار غیر وضعی دارد. اما اینکه ما معمولاً آنچنان که باید و شاید نتیجه نمی‌گیریم به نظرم به عواملی بر می‌گردد: یکسری از این عوامل، عوامل معرفت شناختی است مثل همین که ما شناخت درستی از روزه، احکام و حکم روزه و فلسفه تشریع آن نداریم. آگاهی ما باور ما در کنار آن آگاهی و علم، ایمان ما نسبت به این مطلب آنچنان که باید و شاید راسخ نیست. دوم اینکه به لحاظ روانشناختی ممکن است این کار به عادت تبدیل شده باشد. در بخش معرفت‌شناختی ممکن است حالت تقلیدی، وراثتی، خانوادگی و سنتی شده باشد که عاملی برای این عامل روانشناختی شده باشد که عادت است؛ مثلاً در ماه مبارک رمضان روزه می‌گیریم.

اگر درک و باور را اعتلا ببخشیم و واقعا به لحاظ معرفت شناختی رابطه عمیق تری پیدا کند. فقط ظاهر را نبینیم و فقط به فکر ادای وظیفه نباشیم و به باطن عمل هم توجه کنیم اثرات بیشتری ببینیم. اگر تقلیدی باشد اثری که باید داشته باشد را ندارد. شاید یکی از عوامل دیگر که هم معرفتی و هم روحی و روانی است به این امر برمی‌گردد که ما در واقع روزه را ناظر به غایتش تصور نکردیم و تصدیق نمی‌کنیم.

هدف خداوند این نیست که در نماز فقط خم و راست شویم و یا در روزه‌داری فقط خود را از خوردن و آشامیدن و شهوت خود را نگه داریم. بلکه هدف این است که ما تأدیب شویم یعنی تربیت شویم. پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «ادبني ربي و احسن تأديبي: خدای من مرا ادب کرد و چه نیکو ادب کرد.» پس وقتی ما در ادبستانی چون نماز و روزه و خمس و زکات قرار گرفتیم، اگر این گونه نگاه کنیم ناظر به غایتش که «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» است. تقوا چیست؟ تقوا، مراقبت است. تقوا حرکت در مدار الهی است. حرکت در مدار الهی و در صراط مستقیم الهی است. تقوا این است که انسان از هر چیزی که او را از قرب الهی دور می‌کند خودش را رها کند و نجات دهد که البته دارای درجات و مراتبی است. تقوا برای خودش نشانه‌هایی دارد اگر واقعا این نشانه‌ها و نشانی‌های تقوا را با همین روزه در خودمان ایجاد کنیم اثرگذار خواهد بود.

*چگونه باید تغییرات ماه رمضان را در خود پایدار نگه داریم؟

همان طوری که در ماه مبارک رمضان مراقبت‌هایی را داریم باید این را ادامه دهیم که به عامل چهارم برمی‌گردد که ما معمولاً روز عید فطر شد، دیگر سبک و روش زندگی را فراموش می‌کنیم. در حالی که هدف این است که این ماه، یازده ماه دیگر را تعریف و تحدید کند تا ما را در مسیر و مدار خودش قرار دهد.

به لحاظ فقهی خیلی از موارد بعد از ماه مبارک رمضان برداشته می‌شود، اما به لحاظ اخلاقی که مراقبت از ما برداشته نمی‌شود. باید چشم و گوش و دست و زبان خود را نگه داریم و به قول علامه حسن‌زاده، هرزه بین نباشم، هرزه‌گو نباشم و هرزه‌خوار نباشم. حرام نخورم، حرام نگویم، حرام انجام ندهیم و به تعبیر استاد، مراقب واردات و صادرات وجودی خودمان باشیم، یعنی دائم الصوم باشیم. روزه دائمی و سالانه یکی از معانی سالانه روزه است. باید اینها را توجه داشت. خیلی از بزرگان اینها را می‌گویند و در کتاب‌ها هم آمده است. باید تنبه و توجه به این مقولات و باورها و ارزش‌ها داشته باشیم و به این معانی قدسی در بحث روزه داشته باشیم. باید اینها را در وجود خودمان نهادینه کنیم. ملکه کنیم تا با سرشت وجودی ما عجین شود. بتواند شاکله ما را شکل دهد. «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» ما بعد از ماه مبارک رمضان هم ثابت قدم می‌شویم. وقتی انسان یک ماه تمرین کند و مراقب نفس از هر جهتی باشد. اگر بصیرت به این کارها داشته باشیم تأثیرات شگفت، شگرف و شیرین و دلنشینی را می‌تواند از هر جهت علمی و عملی بر جای داشته باشد.

*همه عبادت‌ها برای خداست و خداوند به آنها پاداش می‌دهد اما در حدیث قدسی آمده که «الصوم لی و أنا أجزی به: روزه از

آن من است و من به آن پاداش می‌دهم.» این توجه و تخصص به روزه نشان دهنده چیست؟

معنا کردن این حدیث خیلی سخت است، وجوه مختلفی هم برایش ذکر کردند. شاید یکی از این وجوه این است که ما در همه عمر خود مهمان خدا هستیم. چیزی که متعلق به خود ما نیست. ما روی سفره الهی نشستیم اما اینکه گفته می‌شود ماه مبارک رمضان ماه مهمانی خداست. اینجا هم در واقع یک نوع رابطه خاص وجودی بین میهمان و میزبان برقرار می‌شود. این رابطه خاص واقعا خاص است. من به نظرم می‌آید که روزه، ریاضت مستمری دارد. حداقل سطح روزه این است که شانزده - هفده ساعت از خوردن و آشامیدن و مواردی از این قبیل باید مراقبت کنیم. وقتی می‌بینیم که خدا بر ما ناظر و حاضر است و ما میهمان او هستیم و ما باید آداب مهمانی را در محضر میزبانی چون خدا مراعات کنیم که از این نخوردن و نیاشامیدن شروع می‌شود تا چیزهای دیگر. این عوامل تخصیصی می‌دهد صائم با حضرت حق رابطه ای برقرار می‌کند که در واقع هیچ چیزی مانند بهشت و نعمت‌های بهشتی و مواردی از این قبیل نمی‌تواند پاداش او قرار بگیرد، لذا خداوند آنقدر سطح مهمان خود را بالا می‌برد که می‌گوید وقتی من و تو باشیم چه کسی می‌تواند جزا و پاداش تو باشد جز من.

مثل این است که در حدیث قدسی آمده؛ اگر کسی عاشق من شود، من عاشق او می‌شوم و کسی که من عاشق او شدم او را می‌کشم و کسی را که کشتم خودم خون بهای او می‌شوم و مواردی از این قبیل. این یک ربط وجودی خاصی است. باید تأمل کرد و روایات مفسر این حدیث قدسی و مطالبی که بزرگان گفتند را دید. به نظرم می‌آید یکی از وجوهش همین مقوله باشد که عرض کردم.

*چه رابطه ای بین ماه رمضان و قرآن وجود دارد؟

ماه مبارک رمضان به معنای واقعی کلمه بهار قرآن است و این ظرف زمانی است که لیلۃ القدر در آن است. نزول قرآن در آن واقع شده است و لیلۃ القدر به انسان کامل با بیان مصادیق مختلفش تفسیر شده است. حقایقی در این ماه مبارک رمضان هست که ما باید سعی کنیم به تکالیف و وظایف خود در ماه مبارک رمضان التزام داشته باشیم و هم در ماه‌های بعد توجه داشته باشیم و اینها را با معرفت و شناخت انجام دهیم و بدانیم آنچه که خدا از ما خواست برای ما کمال و رشد است و این تکلیف‌ها اگر چه به یک معنایی تکلفاتی، سختی‌ها و مشقاتی را ایجاد می‌کند اما یک نوع جهاد اکبر است که ما قهرا در آن فرا گرفتیم و این جهاد اکبر ما را به مقام تشریف بعد از مقام تکلف می‌رساند. به قول سید ابن طاووس؛ این تکلف برای ما تشریف می‌شود. اگر سعی کنیم این مراقبت‌ها را بیشتر کنیم و فقط به صرف روزه ظاهری بسنده نکنیم دل‌مان را رؤف‌تر، رحیم‌تر و شخصیت خود را جواد و بخشنده‌تر قرار دهیم و متخلق به اخلاق الهی و مسمما به اسمای حسنا الهی شویم.

*در پایان اگر مطلبی دارید که در سؤالات ما نبود، بفرمائید!

واقعا هدف روزه و عبادتها این است. اگر اینها را انجام دهیم یا ندهیم گردی بر دامن کبریا می‌آید. این واقعیت است. ما می‌خواهیم تخلق به اخلاق الهی و صبغه الهی پیدا کنیم اسمایی که در دعای جوشن کبیر می‌خوانیم را در وجود خود پیاده کنیم. قرآن که تلاوت می‌کنیم در قرآن تأمل و تفکر کنیم. سعی کنیم تدریجا در متن زندگی خودمان اینها را پیاده کنیم این گونه نشود که بعد از ماه رمضان قرآن و نماز را به کنار بگذاریم. خودمان را فریب ندهیم و با دلیلهای نادرست خود را قانع نکنیم. سعی کنیم واقعا حقیقت «هل من مزیدی» در ماه مبارک رمضان داشته باشیم و خود به جلو برویم و مطالبه بیشتری از حضرت حق داشته باشیم.